

نقدی برگونه های ششگانه دیه در فقه و قانون

دکتر عباسعلی حیدری

استادیار گروه فقه دانشگاه آزاد اسلامی - واحد اراک

◆ چکیده:

با توجه به ماده ۲۹۷ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰، دیه قتل مرد مسلمان یکی از امور ششگانه شتر، گاو، گوسفند، حله یمن، دینار و درهم با تعداد و شرایطی که در قانون مذکور مشروحاً آمده است تعیین شده است و قاتل در انتخاب هر یک از اعیان مذکوره مخیر می باشد. عدول از آنها و پرداخت قیمت هر یک به تراضی طرفین و یا تعذر همه آنها منوط شده است. این ماده قانونی اگر چه با فتوای مشهور فقهای شیعه که با مبنا قرار دادن روایات وارده صادر شده است مطابقت دارد؛ اما نگارنده این مقاله با در نظر گرفتن لسان روایات و تأثیر شرایط اجتماعی و اقتصادی در صدور روایات مورد استناد فقهای عظام به این نتیجه رسیده است که هیچیک از امور ششگانه مورد نظر در تعیین دیه موضوعیت نداشته و پرداخت مقداری از مال، جهت تدارک خسارات وارده به مجنی علیه و یا اولیای وی مد نظر شارع مقدس بوده است، تا تعبیر روایات، مبنی بر اینکه لایبطل دم امرء مسلم فی الاسلام (خون هیچ مسلمانی در اسلام ضایع نمی شود)، تحقق یابد. همچنین مخیر دانستن جانی در پرداخت یکی از گونه های ششگانه لااقل با توجه به تفاوت فاحشی که در شرایط اقتصادی فعلی در قیمت آنها وجود دارد عاقلانه به نظر نمی رسد. بنا بر این اصلاح این ماده از قانون مجازات اسلامی توسط قانون گذار ضرورت دارد.

لغات کلیدی: دیه، گونه های ششگانه، قانون مجازات اسلامی، جانی، مجنی علیه، اولیای دم.

مقدمه

بر اساس ماده ۲۹۴ قانون مجازات اسلامی « دیه مالی است که به سبب جنایت بر نفس یا عضو به مجنی علیه (کسی که جنایت بر وی واقع شده است) یا به ولی یا اولیاء دم او داده می شود.» اولیای دم همان ورثه مقتول (غیر از زوج و زوجه) هستند که اعمال حق قصاص به عهده آنان است. (امام خمینی، بی تا، ۴۸۱) در شریعت اسلام دیه به عنوان حکم امضائی محسوب می شود.

نظام پرداخت دیه و قواعد مربوط به آن از مواردی است که بعد از استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران مورد توجه قانون گذاران کشورمان قرار گرفته است، لذا در تدوین قانون مجازات اسلامی که طبق اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی در تاریخ هشتم مرداد ماه ۱۳۷۰ به تصویب کمیسیون امور قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی رسیده و با توجه به ایراد شورای نگهبان در مجمع تشخیص مصلحت نظام با اصلاحاتی به تصویب رسیده است، بیش از دوست ماده از آن به موضوع دیات اختصاص یافته است. در باره موضوع دیه و گونه های ششگانه آن فقها و علمای اسلام و حقوق دانان مطالب متنوع و متعددی را به رشته تحریر در آورده اند. مشهور فقهای شیعه در خصوص اجناسی که می توان به عنوان دیه پرداخت نمود، امور ششگانه شتر، گاو، گوسفند، حله یمنی، دینار و درهم را در نظر گرفته اند و جانی را در تعیین هر یک از آنها مخیر می دانند. به نظر می رسد قانون گذاران جمهوری اسلامی نیز ماده ۲۹۷ قانون مجازات اسلامی که به همین امور اشاره دارد را به تبعیت از نظر مشهور فقها به تصویب رسانده باشند. نگارنده در این مقاله در پی بحث و بررسی و اثبات این فرضیه است که اولاً پرداخت هیچیک از اقلام ششگانه مذکور موضوعیت نداشته و ثانیاً مخیر دانستن جانی در پرداخت هر یک از آن اقلام و یا قیمت آنها با توجه به تفاوت فاحشی که در ارزش هر یک وجود دارد، معقول به نظر نمی رسد. اهمیت و ضرورت پرداختن به این موضوع از آن جهت است که این قانون از زمان تصویب تا کنون مراحل اجرای آزمایشی خود را پشت سر می گذارد و بر اساس مصوبه مجلس شورای اسلامی این مرحله در سال ۱۳۸۵ پایان می پذیرد، لذا جهت تصویب و اجرای قطعی آن باید اصلاحاتی در مواد مختلف آن صورت گیرد تا قوانینی که به نام اسلام تصویب، معرفی و اجرا می شود شرایط و مقتضیات زمان و مکان در آن لحاظ شود چراکه بناست در آن ظرف زمانی و مکانی به مورد اجرا گذاشته شود. بنابراین نقد و بررسی مواد مختلف قانون مجازات اسلامی توسط صاحب نظران می تواند برای

قانون‌گذاران قابل استفاده باشد. با توجه به توضیحات مقدماتی مذکور، سؤالانی به شرح زیر قابل طرح است:

۱. آیا اجناس ششگانه مذکور در دیه موضوعیت دارند یا این که پرداخت مقداری از مال موضوعیت دارد نه جنس خاص؟

۲. آیا نمی‌توان گفت شتر در تشریح دیه اصل بوده و بقیه اجناس با توجه به میزان ارزش شتر و به عنوان مثال برابری ارزشی دو یست گاو با یکصد شتر به عنوان دیه مد نظر شارع مقدس بوده است؟

۳. آیا نمی‌توان گفت که هر یک از اجناس ششگانه، مستقلاً برای پرداخت دیه موضوعیت داشته و دارد؟ کما این که ماده ۲۹۷ قانون مجازات اسلامی ایران حکایت از همین دارد؟

روند تدوین این مقاله در اثبات فرضیه مورد نظر و پاسخگویی به پرسش‌های مذکور به گونه‌ای است که ابتدا اجناس ششگانه را از منظر روایات مورد بررسی قرار داده و سپس دیدگاه فقها را در این باره تجزیه و تحلیل نموده و در نهایت به نقد و بررسی گونه‌های ششگانه دیه از منظر قانون پرداخته است.

۱. گونه‌های مختلف دیه در روایات

لسان روایاتی که از ائمه معصومین علیهم السلام نقل شده است در خصوص بیان انواع دیه متفاوت است، به طوری که برخی از آنها به یکی از گونه‌های ششگانه و برخی دیگر به بیش از آن اشاره دارد. مجموع افلام ششگانه‌ای که مشهور فقها به عنوان گونه‌های مختلف دیه برشمرده‌اند همانهایی است که در روایات مختلف بدانها اشاره شده است، بنابراین لازم است به برخی از روایات و بررسی مختصر هریک پرداخته شود:

۱-۱. جعفر بن محمد از پدرانش نقل می‌کند که پیامبر اکرم (ص) طی وصیتی به حضرت علی علیه السلام فرمودند: ای علی همانا عبدالمطلب در جاهلیت پنج سنت را بنا نهاد که خداوند آنها را در اسلام تأیید فرمود تا آن جا که فرمودند: ودر قتل، یکصد شتر را در نظر گرفت که خداوند نیز آن را در اسلام مقرر فرمود. (حر عاملی، بی تا، ۱۴۵) مطابق این روایت فقط شتر به عنوان دیه معین معرفی شده است. چون سنتی که عبدالمطلب بنا نهاده بود یکصد شتر بوده است و همان سنت نیز در دین اسلام تأیید و امضاء شد. لسان این روایت حاکی از آن است که غیر از شتر از انواع دیگر

دیات که در روایات آمده است، بدل از شتر محسوب می شود. بنابراین شتر و نهایتاً قیمت و ارزش آن به عنوان اصل تلقی می گردد.

۱-۲. حلیبی از امام جعفر صادق علیه السلام نقل می کند که آن حضرت فرمودند: دیه ده هزار درهم یا هزار دینار است. جمیل می گوید: امام جعفر صادق فرمودند: دیه یک صد شتر است. (حر عاملی، بی تا، ۱۴۳) در این روایت فقط به درهم و دینار و شتر اشاره شده است و از سایر انواع دیه که در برخی از روایات آمده است، ذکری به میان نیامده است. مطابق این روایت به نظر می رسد که درهم و دینار به عنوان اصل در پرداخت دیه محسوب شده باشد. علامه مجلسی این روایت را به عنوان روایت حسن معرفی کرده است. (مجلسی، ۱۴۱۰ ه. ق، ۲۸)

۱-۳. حکم بن عتیبه از امام محمد باقر علیه السلام در حدیثی نقل می کند که به امام عرض کردم: آیا پیش از این دیات فقط از شتر و گاو و گوسفند دریافت می شد؟ حضرت فرمودند: این موارد قبل از اسلام برای بادیه نشینان بوده است پس وقتی که اسلام ظهور کرد و ورق (درهم و دینار) در بین مردم زیاد شد، حضرت علی علیه السلام دیه را بر ورق تقسیم کرد. حکم می گوید: به حضرت عرض کردم: آیا در حال حاضر اگر بادیه نشین امروز باشد، از آنها چه چیزی به عنوان دیه اخذ می شود؟ شتر یا ورق؟ فرمودند: شتر امروز مثل ورق است؛ بلکه در پرداخت دیه بر ورق برتری دارد. همانا از آنها در دیه قتل خطایی یکصد شتر دریافت می شد، به طوری که هر شتر برابر با یکصد درهم باشد که بنابراین یکصد شتر ارزش آن ده هزار درهم می شود. (حر عاملی، بی تا، ۱۴۸)

از روایت حکم بن عتیبه نکاتی برداشت می شود:

الف) در زمان اعراب جاهلی و برای بادیه نشینان شتر، گاو و گوسفند به عنوان انواع دیه محسوب می شد، اما پس از اسلام بر همان اساس، درهم و دینار نیز تعیین شد. این مطلب حاکی از آن است که در زمان های مختلف و با توجه به شرایط جامعه می توان نوع دیه را تغییر داد.

ب) وقتی حضرت می فرمایند شتر امروز مثل ورق است، بلکه در پرداخت دیه بر ورق افضل است، حکایت از اصل بودن شتر دارد.

ج) این روایت نیز به همه انواع ششگانه دیات اشاره ندارد.

د) مطابق آنچه که علامه مجلسی در ملاذ الاخیار آورده است، این روایت ضعیف است. (مجلسی

همان گونه که صاحب جواهر می گوید این روایت اشعار دارد که نوع دیه در هر سرزمینی دایر مدار آن چیزی است که غالباً در آن سرزمین یافت می شود. (نجفی، ۱۴۰۴، ق. ۸)

۱-۴. عبدالله بن سنان می گوید: از امام جعفر صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: هر کس مؤمنی را عمداً بکشد به خاطر آن کشته می شود، مگر آن که اولیای مقتول رضایت دهند و دیه را بپذیرند. پس اگر به دیه راضی شدند و قاتل نیز آن را پذیرفت، بنابراین دیه وی دوازده هزار درهم یا هزار دینار یا یکصد شتر است، لذا اگر در سرزمینی باشد که در آن دینارها رواج دارد باید هزار دینار بپردازد، و اگر در سرزمینی باشد که در آن شتر رایج و فراوان است پس باید یکصد شتر بپردازد، و اگر در سرزمینی باشد که در آن درهم ها رایج هستند، بنابراین باید دوازده هزار درهم بپردازد. (حر عاملی، بی تا، ۱۴۴)

مطابق این روایت فقط به سه نوع از انواع ششگانه مربوط به دیه اشاره شده است و هر یک از انواع مذکور با حرف عطف «و» آمده است که ظهور در تخییر دارد. البته با توضیحی که پس از ذکر انواع سه گانه دیه آمده است که طی آن بیان فرمودند: اگر در سرزمینی است که در آن دینار رواج دارد پس هزار دینار بدهد... برخی علاقه تنویعی را از آن استنباط کرده اند و اعتقاد به تخییر ندارند و برخی هم آن را برای تسهیل می دانند که به نظر می رسد بازگشت نظریه تسهیل همان تخییر باشد.

نکته دیگر آن که در این روایت به دوازده هزار درهم اشاره شده است در حالی که اکثر روایات دیگری که به درهم اشاره کرده اند، مقدار آن را ده هزار درهم در نظر گرفته اند. برخی خواسته اند از این تفاوت استفاده کنند مبنی بر آن که شتر به عنوان اصل در انواع دیات بوده و چون قیمت شتر در مقطعی افزایش یافته به جای ده هزار درهم، دوازده هزار درهم پرداخت شده است.

در هر حال به نظر می آید از این روایت تعیین فهمیده نشود. یعنی مقصود این نیست که جانی هر آنچه که از انواع مذکور را در سرزمین خود دارد باید بپردازد. چون در این صورت باید قاتل به این شد، آن کسی که در سرزمینی زندگی می کند که هیچ یک از اقسام مذکور در آن سرزمین وجود ندارد، پرداخت دیه بر او واجب نباشد در حالی که قطعاً این پذیرفتنی نیست.

۱-۵. ظاهر آروایتی است که این دراج نقل می کند مبنی بر آن که: دیه هزار دینار یا ده هزار

درهم است و از اصحاب حلل، حله و از اصحاب شتر، شتر و از اصحاب گوسفند، گوسفند و از اصحاب گاو، گاو دریافت می‌شود. (حر عاملی، بی تا، ۱۴۳) مهم ترین اشکالی که به این بیان می‌توان وارد کرد آن است که جمیل بن دراج مشخص نکرده اند که این روایت را از کدام امام علیه السلام نقل می‌کند و چه بسا بتوان ضمیر قال را به خود ایشان ارجاع داد. در این روایت بر خلاف سایر روایاتی که تاکنون ذکر شد، انواع ششگانه ای را برای دیه مطرح کردند و حله را به عنوان یکی از انواع دیات معرفی نمودند. اشکال دیگر کلام مذکور آن است که مشخص نشده است که آیا دینار و درهم اصل است و بقیه به نسبت آن محاسبه می‌شوند، یا این که درهم و دینار نیز از اصحاب هریک از آن دو اخذ می‌شود.

۱-۶. عبدالله بن سنان نقل می‌کند که از امام جعفر صادق علیه السلام شنیده ام که در حدیثی می‌فرمود: همانا دیه یکصد شتر است و قیمت هر شتر از ورق یکصد و بیست درهم یا ده دینار است و در مقایسه با گوسفند ارزش هر شتر اصیل بیست گوسفند است. (حر عاملی، بی تا، ۱۴۲) علامه مجلسی در کتاب ملاذ الاختیار این روایت را از جمله روایات صحیح بر شمرده است. (مجلسی، ۱۴۰۷، ق. ۳۲۱) در این روایت چهار نوع از انواع دیات یعنی شتر، درهم، دینار و گوسفند بیان شده است. شتر را به عنوان اصل منظور کرده است و بقیه اجناس را با آن سنجیده است و با این محاسبه میزان درهم دوازده هزار و تعداد گوسفند برای دیه دو هزار می‌باشد.

۱-۷. ابوبصیر نقل می‌کند که از امام جعفر صادق علیه السلام درباره دیه سؤال کردم، پس فرمودند: دیه مسلمان ده هزار است از نقره یا هزار مثقال است از طلا یا هزار گوسفند که سن آن‌ها مختلف باشد و در سه رده سنی باشند و یکصد شتر در سن‌های مختلف و دویست گاو است. (کلبی،، ۲۸۱)

این روایت به پنج نوع از انواع ششگانه دیه که در روایت اول آمده است، اشاره دارد و نوع ششم را بیان نمی‌کند. همچنین در این روایت به جای تعبیر درهم و دینار از «فضه» و «ذهب» استفاده کرده است که البته شاید همان فضه و ذهب مسکوک باشد. شاید بتوان از مقدم داشتن تقدین در این روایت اصل بودن آن را به نسبت سایر اجناس فهمید.

۱-۸. عبدالرحمن بن حجاج می‌گوید: از ابولیلی شنیدم که می‌گفت: دیه در جاهلیت یکصد شتر بود، پس رسول خدا (ص) آن را امضاء کرد. سپس بر کسانی که گاودار بودند دویست گاو، بر کسانی که گوسفنددار بودند، هزار گوسفندی که داخل در سه سالگی شده باشد و بر کسانی که

اهل طلا بودند، هزار دینار و بر کسانی که اهل ورق (درهم) بودند، ده هزار درهم و بر اهل یمن دوست حله را لازم گردانید. عبدالرحمن بن حجاج گفت: درباره آنچه که ابن ابولیلی نقل کرد سؤال کردم که آن حضرت فرمودند: علی علیه السلام می فرمود: دیه هزار دینار است و ارزش هر دینار ده درهم و همچنین دیه ده هزار درهم است برای اهل شهر و برای کسانی که بادیه نشین هستند یکصد شتر است و برای اهل سواد دوست گاو یا هزار گوسفند است (کلینی، ۱۳۶۷ ه. ش، ۲۸۰).

نکاتی که از این روایت بدست می آید صرفنظر از صحت و سقم سند آن، بدین شرح است:

الف) در این روایت پنج کالا به عنوان انواع دیه ای که در قتل قابل پرداخت است مطرح شده است که آن پنج کالا عبارتند از: شتر، گاو، گوسفند، دینار و درهم. بنابراین، روایت مذکور به حله یعنی اشاره ای ندارد.

ب) با توجه به آن که امام صادق علیه السلام در پاسخ به سؤال عبدالرحمان بن حجاج به نقل از حضرت علی علیه السلام فرمودند: «الدیه الف دینار و قيمة الدینار عشرة دراهم و عشرة آلاف درهم» (لأهل الامصار...)، برداشت می شود که از انواع پنجگانه مذکور در روایت، دینار به عنوان اصل بیان شده است و بقیه انواع با آن سنجیده می شوند. همان طور که در مورد درهم صراحتاً بیان شده است.

ج) به نظر می رسد که حتی اگر تمام انواع ذکر شده به طور مستقل موضوعیت داشته باشند، از لسان این روایت استفاده نشود که جانی در پرداخت هر یک از گونه های مختلف مخیر باشد، بلکه تنوع (صرفاً تنوع در بیان گونه های مختلف) از آن مستفاد است.

۲. چگونگی پرداخت گونه های مختلف

آنچه که از روایات بر می آید و فقهای شیعه و سنی بر اساس آن فتوی داده اند و از سیره عملی در صدر اسلام بر می آید، حکایت از معرفی شش مورد مذکور از گونه های مختلف دیه دارد. اما گونه های ششگانه دیه از چند منظر قابلیت بررسی و کنکاش را دارد. یکی آنکه آیا تشریح گونه های ششگانه دیه به نحو تخییر است؟ یعنی آیا شخص بزه کار و جانی می تواند هر کدام را که بخواهد، پردازد؟ در پاسخ به این سؤال علما اختلاف دارند به طوری که دیدگاه مشهور در این باره قائل به تخییرند. برخی نیز به تعیینی بودن گونه های مذکور معتقدند. گروهی نیز تشریح گونه

های مختلف را از باب تنوع و بعضی نیز به تسهیل اشاره دارند. لذا قبل از پرداختن به دیدگاه های فقها،

توضیحی اجمالی در باره هر یک از این عناوین و اصطلاحات ضرورت دارد.

تخیر: همان طور که اشاره شد، تخیر در اینجا بدین معنی است که به دنبال وقوع قتل اگر جانی به پرداخت دیه محکوم شده است، در پرداخت هر یک از انواع ششگانه مخیر باشد.

تعیین به نحو تنوع: تعیین در اینجا به معنی آن است که جانی در صورتی که دارنده هر یک از انواع مذکور باشد، پرداخت همان نوع برای وی متعین می گردد. حتی از لسان قائلین به این قول بر می آید که اگر در سرزمینی که جانی در آن زندگی می کند هر یک از این انواع یافت شود، همان را باید پردازد. یعنی تشریح انواع ششگانه دیه صرفاً برای متنوع کردن گونه های مختلف بوده است، بنابراین می گویند درست است که برای دیه انواع مختلفی را ذکر کرده اند، اما دارنده هر نوع از آن، مکلف به پرداخت همان خواهد بود.

تنوع برای تسهیل: برخی نیز بیان انواع ششگانه دیات را از باب تسهیل می دانند. بدین معنی که شارع مقدس برای اینکه جانی در پرداخت دیه از نوع خاص آن به تکلف نیفتد و به عنوان مثال در سرزمینی که شتر رواج ندارد ملزم به پرداخت آن نباشند، لذا گونه های مختلفی را در نظر گرفت که هم برای جانی به راحتی قابل پرداخت و در دسترس باشد و هم اولیای مقتول به راحتی حق خویش را استیفا نمایند.

تقدیر: تقدیر بدین معنی است که هیچ یک از گونه های ششگانه موضوعیت نداشته و فقط پرداخت میزان مالیتی مهم است که ملحوظ نظر شارع مقدس بوده است.

در هر حال فقهای شیعه در مورد این که گونه های ششگانه دیه به چه صورت تشریح شده است و این که آیا همه آنها به طور مستقل موضوعیت دارند، یا آن که هیچ یک از انواع ششگانه موضوعیت ندارد، اختلاف نظر دارند.

۱-۲. دیدگاه نخست: تخیر

دیدگاه مشهور بین فقهای شیعه آن است که جانی می تواند هر کدام از گونه های ششگانه دیه را که بخواهد به اولیای مجنی علیه پردازد و به تعبیر دیگر حکم پرداخت دیه در گونه های ششگانه

آن تخییر است. و برخی در این باره ادعای اجماع کرده اند. صاحب کتاب جواهر الکلام در این مسأله قائل به تخییر است نه تنویع و پس از بیان این دیدگاه می نویسد:

« كما هو المعروف بين الاصحاب بل المجمع عليه من المتأخرين بل عن صريح الغنيه و ظاهر السرائر و المفاتيح الاجماع على ذلك، فليس للولى الامتناع من قبول أحدها مع بذله و إن لم يكن الباذل من أهل المبدول. (نجفی، ه. ق، ۱۲) » ۱۴۰۴ یعنی همان طور که بین فقهای ما معروف است بلکه بین فقهای متأخر بر آن ادعای اجماع شده است و بالاتر از آن عبارت صریح غنیه و ظاهر عبارت سرائر و مفاتیح بر وجود اجماع در این باره حکایت دارد. بنابراین جانی هر یک از اجناس ششگانه را که پردازد حتی اگر از دارندگان آنچه که می پردازد نباشد، ولی مقتول نمی تواند از پذیرش آن امتناع ورزد. محقق اردبیلی (ره) پس از ذکر گونه های ششگانه دیه بیان می دارد که جانی در انتخاب هر یک از آنها مخیر است. (محقق اردبیلی، ۱۴۱۶ ه. ق، ۳۰۹) البته لازم به ذکر است آنهایی که به مخیر بودن جانی در پرداخت جنس دیه اعتقاد دارند، به نظر می رسد که اولاً عقیده دارند که همه اجناس ششگانه مستقلاً موضوعیت داشته و اصل هستند و تخییر را بین یکی از همان اقلام می دانند؛ ثانیاً بسیاری از معتقدان به این قول عدول از اعیان ششگانه و پرداخت قیمت و ارزش آنها را در شرایطی که یکی از اعیان یافت می شود، جایز نمی دانند. به تعبیر دیگر تخییر بین عین و یا قیمت اقلام ششگانه نیست، بلکه جانی مخیر به گزینش یکی از اقلام مذکور می باشد. این دیدگاه از سوی برخی از فقهای معاصر مورد انتقاد واقع شده است.

آیت الله مرعشی قول به تخییر را مردود نمی داند، اما آن را به شرایط زمانی و مکانی خاص منوط می کند. یعنی می گوید: « در آن زمان صد شتر با دویست گاو و هزار گوسفند برابر بود. به نظر من یکی از مسائلی که در مورد دیات باید اصلاح شود همین تخییر بین انواع دیات است. تخییر در زمانی که بین انواع آن تفاوت قیمت باشد معنا ندارد و نامعقول است... مسأله تخییر (در حال حاضر) با مقتضیات زمان سازگار نیست. (مرعشی، ۱۳۷۶ ه. ش، ۱۹۸) »

آیت الله موسوی اردبیلی یکی از فقهای معاصر شیعه نیز معتقد است که دیه حق مالی است خواه این حق مالی عوض از ریختن خون باشد یا جبران خسارات وارده به اولیای دم و برای تخفیف آثار کینه شان باشد و یا حتی به عنوان مجازات جانی محسوب شود تا دیگر جرأت تکرار پیدا نکند یا غیر این موارد، مناسب نیست که دیه این گونه تشریح شود که همه انواع ششگانه اصل

محسوب شود و جانی در پرداخت هر یک از آنها مخیر باشد. ایشان در بیان علت عدم مناسبت می‌نویسد: «و ذلك لأن التخيير بين هذه الاصول مع الاختلاف الكبير بينها من حيث القيمة السوقية و اعطاء الخيار للجاني كى يختار ما يحلو له و يتفق مع هواه أمراً لغواً بالتأكيد. كيف و كل الجناة الا ما ندر يختارون ما هو الاقل بلا شك و ريب كيف و القول بأنه مختار بين تقديم ملايين التوامين أو دفع واحد بالالف منها إنما أشبه بالهديان نعوذ بالله منه. (موسوی اردبیلی، ۱۴۱۶ هـ. ق، ۸۰) علت مناسب نبودن این قول که همه اجناس ششگانه اصل هستند و جانی در انتخاب یکی از آن اجناس اختیار دارد آن است که تخیر بین این اصول با وجود اختلاف فراوان بین آن‌ها از نظر قیمت بازار و علیرغم این تفاوت فاحش در قیمت به جانی اختیار داده شود تا هر چه را می‌پسندد و مطابق میل اوست برگزیند، کاری به شدت لغو و بیهوده است، چرا که هر جنایت کاری جز در موارد نادر بدون شک و تردید کمترین را بر می‌گزیند. و این عقیده که جانی بین میلیون‌ها تومان و یا پرداخت یک هزارم آن اختیار دارد، فقط به هذیان‌گویی شبیه‌تر است. از این سخن به خدا پناه می‌بریم.

بنابراین، مطابق نظر ایشان لااقل در شرایطی که اجناس ششگانه دارای اختلاف قیمت و ارزش هستند به ویژه آن که اختلاف قیمت آن‌ها فاحش و غیر قابل اغماض باشد، موضوع مخیر بودن جانی در گزینش یکی از اجناس ششگانه سخنی نادرست و ناصواب است. لذا در شرایط زمانی و مکانی که ما در آن زندگی می‌کنیم نمی‌توان قائل به تخیر شد.

آیت الله هاشمی شاهرودی در کتاب خود در خصوص مستند فقهای متأخر که قائل به تخیر شده‌اند می‌نویسد: «بی تردید آنچه فقیهان متأخر برگزیده‌اند و بزهدکار را مخیر دانسته‌اند نتیجه اصل عملی است، البته تا آن هنگام که دلیلی بر تعیین نیایم، زیرا از آغاز شک در این است که آیا یکی از اقسام دیه به صورت تعیینی به عهده بزهدکار آمده است، یا خیر؟ و اصل آن است که چنین نباشد پس چیزی جز بر عهده آمدن جامع این اقسام ثابت نمی‌شود که این همان تخیر است. بنابراین نتیجه اصل همان تخیر است، چنان که بر آئیند اصل لفظی که از روایات بر گرفته می‌شود

نیز چنین است (هاشمی شاهرودی، ۱۳۷۸ هـ. ش، ۷۸).

ایشان در ادامه در خصوص لسان روایات وارده در این باب می‌نویسد: «روایاتی که در آن برخی از گونه‌های دیه بر برخی دیگر عطف گردیده است، مانند روایت علاء بن فضیل و صحیحہ حلبی نیز چنان که نتیجه هماهنگ سازی و جمع عرفی میان روایاتی که تنها برخی از گونه‌های دیه را در

بردارد، با آن دسته از روایاتی که دیگر گونه‌ها را آورده است، همین خواهد بود. چرا که از اطلاق هر کدام که خواستار تعیین و بسنده نبودن غیر از آن است، با توجه به روشنی هر یک در کافی بودن آنچه خود در بردارد، دست بر می‌داریم و در نتیجه تخییر ثابت می‌گردد. چنان که در صحیح حلبی و جمیل و نیز روایات دیه بزه پایین‌تر از کشتن چنین است، بدین سان که در بیشتر این روایات اندازه دیه را تنها با درهم و دینار آورده‌اند، گرچه در برخی، تنها با شتر معین گردیده است، مانند صحیح ابان و حدیث ابن سنان، بلکه صحیح حکم بن عتیبه به روشنی دلالت بر تخییر میان گونه‌های دیه پس از آمدن دین اسلام دارد. (هاشمی شامروزی، ۱۳۷۸ هـ. ش، ۱۷۸)

۲-۲. دیدگاه دوم: تعیین به نحو تنوع

دیدگاه دوم فقهای شیعه که بیشتر فقهای متقدم بدان عقیده داشتند، تنوعی بودن گونه‌های ششگانه دیه است. بدین معنی که شارع مقدس دیه را در انواع مختلفی معرفی نموده است و هریک از دارندگان انواع ششگانه باید همان نوعی را به عنوان دیه بپردازند که یا خود جزو دارندگان آنها هستند و یا آن نوع در سرزمینی که در آن زندگی می‌کنند رواج دارد. همان‌طور که در برخی از روایات آمده است که اهل شتر، شتر و اهل گاو، گاو و اهل گوسفند، گوسفند و... بپردازد. این نوع بیان حاکی از تنوع انواع ششگانه دیه می‌باشد.

شیخ صدوق (ره) در کتاب المقنع می‌نویسد: «بدان که دیه در جاهلیت یکصد شتر بوده است و رسول خدا (ص) آن را تأیید و سپس بر دارندگان گاو دویست گاو و بر گوسفند داران هزار گوسفند و بر دارندگان دینار هزار دینار و بر اهل ورق ده هزار درهم و بر اهل یمن یکصد حله را واجب گردانید. (شیخ صدوق، ۱۴۱۵ هـ. ق، ۵۱۴) ظاهر عبارات مذکور بیانگر آن است که حضرت رسول ضمن تأیید یکصد شتر به عنوان دیه گونه‌های دیگری را به آن افزوده‌اند و دارندگان هر یک را مکلف به پرداخت همان نوع می‌دانستند. در کتاب الهدایه (شیخ صدوق، ۱۴۱۸ هـ. ق، ۳۰۱) نیز تعبیر مشابهی بکار رفته است.

صاحب جواهر در مورد قائلین به این قول می‌نویسد: «نعم عن ظاهر المقنع و المقنعة و النهایة و الخلاف و المبسوط و المراسم و الوسيلة و القاضی أنها علی التنوع بل فی کشف اللثام نسبتة إلی عبارات کثیر من الاصحاب. (نجفی، ۱۴۰۴ هـ. ق، ۱۲) البته از ظاهر عبارت‌های مذکور در کتاب‌های مقنع، مقنعه، نهایه، خلاف، مبسوط، مراسم، وسیله و ظاهر نظر قاضی چنین بر می‌آید که آنها در

دیه قائل به تنويع هستند. بلکه در کتاب کشف اللثام این قول را به عبارات بسیاری از اصحاب ما نسبت داده است. کتاب مبسوط در این باره آورده است: به عقیده ما شش گونه از گونه های دیه هر یک فی نفسه اصل هستند و برخی از آن بدل برای برخی دیگر نمی باشد، بلکه هر یک از آن ها بدل از خویشتن است و آن گونه های ششگانه عبارتند از: یکصد شتر یا هزار دینار یا ده هزار درهم یا دویست گاو یا هزار گوسفند یا دویست حله. هر کس که از دارندگان یکی از گونه های دیه باشد، در صورت موجود بودن، همان از وی دریافت می شود. در غیر این صورت یکی از اجناس دیگر از وی دریافت می گردد. (شیخ طوسی، بی تا، ۱۹۰)

بنابراین، آنچه از کلام شیخ در مبسوط بر می آید آن است که چنانچه جانی دارنده یکی از انواع ششگانه دیه باشد، اختیار انتخاب غیر از آن را ندارد.

برخی از روایاتی که ذکر آن گذشت حکایت از تعیین انواع ششگانه دیه دارند، نه تخییر. از جمله آن روایات صحیحه ابن حجاج که در آن آمده است بر شتر داران شتر و بر شهر نشینان درهم و... لازم است. اما آنچه که می توان در رد این برداشت بدان اشاره کرد آن است که این روایات حکایت از تسهیل دارند نه تعیین. یعنی شارع مقدس برای آسان ساختن کار افراد در پرداخت دیه به همان گونه ای حکم کرده است که فرد در اختیار دارد. و چه بسا نظر شارع الزام به پرداخت آنچه که در اختیار دارد نبوده باشد، اما از باب این که معمولاً در دیه پرداخت آنچه که فرد دارنده آن است، آسان می باشد، لذا بدان حکم فرموده است.

۳-۲. دیدگاه سوم: تقدیر

مطابق این دیدگاه، روایات درصدد بیان تقدیر هستند نه تنويع و یا تخییر. مطابق مفاد این قول هیچ یک از مقادیر ششگانه موضوعیت ندارد و آنچه دارای اهمیت است میزان مالی است که به عنوان دیه پرداخت می شود که ملحوظ شارع بوده است. با این بیان و نظر می شود اجناس دیگر غیر از اجناس ششگانه مشهور را به عنوان دیه تعیین نمود. اما مشکل اساسی در این دیدگاه قیمت مقدر و یا همان مقدار مالی است که نزد شارع ملحوظ بوده است و بر همان اساس انواع مختلف ششگانه تعیین شده است که میزان آن برای ما مشخص نیست، لذا معتقدان بدان می گویند وقتی هیچ راهی برای پی بردن به آن مقدار نباشد ناچاریم به اجناس مذکور در روایات اکتفا کنیم. به نظر نگارنده در تعیین نوع، میزان و مقدار دیه می توان عرف اقتصادی جامعه مورد نظر را ملاک قرار

داد و بر آن اساس، هم نوع دیه می‌تواند به وجه نقد و یا هر مال رایج دیگر در نظر گرفته شود و همچنین بر اساس آن، میزان مالی را که نوعاً جبران‌کننده خسارات وارده به مجنی علیه و یا اولیای وی می‌باشد تعیین نمود. به ویژه آنکه دیه یک حکم امضایی است و شارع مقدس عرف رایج قبل از ظهور اسلام را که شتر به عنوان مال و سرمایه رایج بوده است، تأیید نمود. همین تأیید گویای این مطلب است که شارع مقدس نوع دیه و مقدار آن را به نظر عرف واگذارده است؛ لذا اصل تشریح دیه محفوظ است، اما نوع و مقدار آن می‌تواند با توجه به تغییر شرایط عرفی متغیر باشد.

در یک جمع بندی می‌توان گفت آنچه که مهم است و تنوع روایات در بیان اجناس مختلف بر آن حکایت دارد، عبارت است از اینکه عین اجناس ششگانه قطعاً موضوعیت ندارد، بلکه می‌تواند با توجه به عرف جاری اقتصادی و مالی هر جامعه نوع مال و کالایی که باید بابت دیه پرداخت شود را تعیین نمود. نظیر این بحث در باب زکات هم مطرح می‌شود؛ چرا که در روایات، مواد نه گانه ای را برای آن ذکر کرده اند، اما برخی از فقها اعتقاد دارند که با توجه به شرایط کنونی زکات نمی‌تواند منحصر در اقلام منصوصه باشد؛ بلکه می‌تواند به سایر مواد هم توسعه داد. همان طور که علامه محمد تقی جعفری معتقد است که روایات وارده در باب زکات بر این دلالت دارند که تعیین مواد نه گانه، در زمان پیامبر اکرم (ص) فقط به عنوان صلاح‌دید و اعمال رویه حکومت وقت بوده است و با شرایط اقلیمی و زمانی سنجیده شده است نه اینکه حکم ابدی خدا باشد. (جعفری، ۱۳۸۰ ه. ش، ۶۹) از این بیان می‌توان استنباط نمود، روایاتی که در امور اجتماعی و اقتصادی وارد شده است ناظر به شرایط عرفی، اجتماعی، اقلیمی و اقتصادی بوده است، لذا در باب دیات هم می‌توان گفت که روایات وارده در این باب هم به عنوان اعمال رویه حکومت وقت بوده است.

۳. اصل بودن گونه های مختلف دیه

بافرض اینکه بپذیریم عین هیچ یک از اجناس ششگانه منصوصه موضوعیت ندارد و یا توجه به تفاوت فاحشی که در قیمت آن اجناس وجود دارد تخییر را هم منتفی بدانیم، برخی اعتقاد دارند که به ناچار باید لا اقل یکی از اجناس مذکور را اصل قرار دهیم تا قیمت آن جنس در جوامع مختلف مبنای محاسبه میزان دیه قرار گیرد. بنابراین یکی دیگر از سؤالاتی که در این باب مطرح می‌شود آن است که از بین اقسام ششگانه ای که در لسان روایات وارد شده است، کدام یک اصل محسوب می‌شود و کدامین آن‌ها بدل هستند؟ در این جا به دیدگاه های مختلف فقها اجمالاً اشاره می‌شود:

۱-۳. دیدگاه نخست: اصل بودن همه گونه ها

دیدگاه اول در این موضوع آن است که همه انواع ششگانه دیات اصل محسوب می شوند. منظور از اصل بودن انواع ششگانه آن است که همه آنها در عرض هم هستند، نه در طول هم. یعنی در پرداخت هر یک از انواع مذکور لازم نیست سایر اجناس نایاب باشد و به تعبیر دیگر انتخاب هر نوع از انواع ششگانه بلامانع است و انتخاب هیچ یک مشروط به فقدان نوع دیگر نیست. شیخ طوسی یکی از معتقدان به این نظریه است، چرا که در مبسوط آورده اند: کل واحد من هذه الاجناس أصل فی نفسه و لیس بعضها بدلاً عن بعض. (شیخ طوسی، بی تا، ۱۱۹) یعنی هر یک از این اجناس فی نفسه اصل اند و برخی از آنها جایگزین برخی دیگر نیستند.

صاحب کتاب شرائع الاسلام می نویسد: این اجناس ششگانه دیات فی نفسها اصل اند و پرداخت هیچ یک از آن ها مشروط به عدم برخی دیگر نیست، و جانی در پرداخت هر کدام که بخواهد مخیر است. (محقق حلی، ۱۴۰۹ هـ. ق، ۱۰۱۷)

صاحب کتاب جامع الخلاف و الوفاق در باره دیدگاه خود و فقهای اهل سنت در این رابطه می نویسد: بدان که دیه دارای شش اصل است، بنابراین بر اهل شتر لازم است که یکصد شتر بدهد و بر اهل طلا هزار دینار و بر اهل ورق ده هزار درهم و بر اهل گاو دویست گاو و بر اهل حله دویست حله و بر اهل گوسفند هزار گوسفند لازم می شود. و ابو یوسف و محمد و احمد بن حنبل همین نظر را بیان کردند. جز آن که آن ها در باره گوسفند گفته اند که دو هزار گوسفند لازم است. ابو حنیفه می گوید: برای دیه سه اصل است و آن سه اصل یکصد شتر و هزار دینار و ده هزار درهم است و نایاب بودن را در هر یک از اصول شرط نمی داند، بلکه جانی را در تسلیم هر یک از این اصول که بخواهد مخیر می داند. شافعی در این مسأله دو قول دارد: قول سابق وی آن بود که جانی باید یکصد شتر بدهد؛ اما اگر نایاب بود به دو اصل دیگر که همان هزار دینار و دوازده هزار درهم باشد منتقل می شود. هر یک از این دو، اصل محسوب می شوند. بنابراین دیه دارای سه اصل است، با این تفاوت که شتر دارای مزیتی است و آن این که تازمانی که یافت می شود، نمی توان از آن عدول کرد. اما شافعی در نظر جدید خود می گوید: اگر شتر نایاب شد، به قیمت روز پرداخت (تسلیم) منتقل می شود. پس دیه شتر است و قیمت بدل از آن محسوب می شود. (علی بن

محمد قمی، بی تا، ۵۶۰) این دیدگاه را همان فقهای دارند که در بحث پیشین قائل به تخییر بوده اند. استدلال قائلین به این قول چیست؟

- بررسی و نقد دیدگاه نخست

به نظر می رسد که استدلال آن ها اطلاق روایاتی باشد که همه اقسام ششگانه مذکور را به عنوان دیه معرفی کرده است و لسان آن روایات به گونه ای است که هیچ یک از آن ها را جایگزین دیگری در نظر نگرفته است. بنابراین حاصل اطلاق روایات آن است که هر یک از انواع و اجناس ذکر شده مستقلاً به عنوان دیه محسوب گردد؛ خواه از نظر قیمت و ارزش با هم برابری داشته باشند و یا برابری نداشته باشند. البته این نظر نمی تواند قابل قبول باشد، زیرا اولاً روایات دیگری که در باب دیات رسیده است، یا همه شش قسم را ذکر نکرده است، به عنوان مثال روایت محمد بن علی بن الحسین که فقط شتر را به عنوان دیه ای که عبدالمطلب سنت گذارد و اسلام آن را امضاء کرد معرفی نموده است؛ و یا آن که صراحتاً با آن که اصول دیات شش نوع باشد مخالفت دارد. مانند روایت محمد بن مسلم و زراره که در آن آمده است: دیه یکصد شتر است و دینارها و درهم ها و غیر آنها داخل در دیه محسوب نمی شوند. (حرعاملی، بی تا، ۱۴۵)

۲-۳. دیدگاه دوم: اصل بودن شتر

نظریه دوم آن است که از بین اقسام ششگانه دیات شتر اصل است و بقیه بدل محسوب می شوند. به نظر می رسد که فقهای معاصر بیشتر به این نظریه گرایش دارند، اگر چه ماده ۲۹۷ قانون مجازات اسلامی حکایت از تأیید قول اول را دارد. از جمله فقهای معاصر که نظریه دوم را پذیرفته است آیت الله مرعشی است. ایشان در این باره می نویسد: «در مورد ماهیت دیه از نظر تاریخی اگر مسأله را بررسی کنیم می توانیم به این حقیقت که دیه چرا تعیین شده برسیم. ما وقتی به تاریخ عرب قبل از اسلام مراجعه می کنیم، می بینیم که شتر یکی از اموال بسیار با ارزش در شبه جزیره عربستان بوده و حتی به شتر قسم هم می خوردند. قبل از اسلام میزان دیه نسبت به افراد، متفاوت بوده و با توجه به شخصیت و موقعیت اجتماعی آن ها تغییر می کرده است. در زمان عبدالمطلب برای قتل هایی که اتفاق افتاده بود صد شتر معین کرد. بعد از شتر، گاو و گوسفند قرارداد شد که این دو در زمان جاهلیت جایگزین شد و روایات ما دلالت بر آن دارد. از این روایات استفاده می شود که شاخص دیات شتر بوده است بعد که اسلام آمد بر طبق روایتی که از ابن عبّیه از ابوجعفر

عليه السلام نقل گردیده است که: «فلما ظهر الاسلام و كثرت الورق في الناس قسمها امير المؤمنين عليه السلام على الورق» نشان می دهد که شارع، درهم و دینار را به عنوان قیمت شتر تعیین کرد. من قطع دارم اگر در آن روز اموالی غیر از این ها بود آن ها نیز ذکر می شد و دیه بر آن ها نیز تقسیم می شد. دیه ای که در زمان پیامبر اکرم (ص) هشت صد دینار تعیین شده بود در زمان خلافت عمر به هزار دینار تبدیل شد. او متوجه بوده که ملاک در دیه شتر است. در برخی روایات دوهزار گوسفند دارد پس اصالت با شتر است و بقیه بابت قیمت است و موضوعیت ندارد. (مرعشی، ۱۳۷۶ ه. ش، ۲۰۲-۲۰۱)

چونرسی و نقد دیدگاه دوم

این دیدگاه از جهاتی قابل تأمل است. اولاً آن که آیا نمی توان گفت که شتر به این جهت در جامعه آن روز عربستان مورد توجه قرار گرفت و در لسان روایات تأکید بیشتری بر آن شده است که با ارزش ترین مال بین اعراب آن زمان و جامعه صدر اسلام محسوب می شد؟ لذا در جوامع کنونی که اساساً در برخی از سرزمین ها شتر یافت نمی شود تا بتوان قیمت سوقیه آن را تعیین نمود و برای مردم آن سرزمین به عنوان دیه تعیین کرد، اصل قرار دادن آن برای هر شرایط عرفی و اجتماعی مشکل به نظر می رسد. ثانیاً چه اشکالی دارد که اصل را پرداخت مقدار مالی برای جبران خسارت بدانیم و تعیین آن را به شرایط اقتصادی جامعه مورد نظر واگذار کنیم؟ ثالثاً آیا نمی توان از ذکر اجناس مختلف در روایات به این نتیجه رسید که شارع مقدس شرایط اقتصادی هر جامعه را در نظر می گرفت و برای آنها چیزی را به عنوان دیه تعیین می کرد؟ مثلاً با تعیین دویست حله برای اهل یمن نوعاً خسارات مادی وارده جبران می شد؟ از کجا ثابت است که در آن زمان قیمت و ارزش یکصد شتر با دویست حله در سرزمین یمن یکسان بوده است؟ اگر بگوییم در همه جوامع و با هر شرایط اقتصادی حاکم بر آن جامعه با یکصد شتر و یا قیمت آن بتوان عادلانه جبران خسارت نمود به نظر می رسد خالی از اشکال نباشد.

۳-۳. دیدگاه سوم: اصل بودن دینار

برخی از فقها که از جمله آن ها مرحوم قاضی (ره) است دینار را اصل و مابقی را بدل و جایگزین معرفی می کند، چرا که در کتاب مهذب می نویسد: دیه قتل عمد محض بدین صورت است که اگر قاتل از دارندگان طلا باشد باید هزار دینار سالم (مرغوب) و اگر از دارندگان نقره باشد ده هزار درهم سالم و اگر از اصحاب شتر باشد یکصد شتری که شش ساله باشد و قیمت هر یک،

ده دینار باشد و اگر از گوسفند داران باشد، هزار گوسفندی که بهای هر یک، یک دینار باشد و یا کسانی که گاودار هستند، دویست گاو شش ساله که قیمت هر کدام پنج دینار باشد و کسانی که از اصحاب حله هستند باید دویست حله ای که قیمت هر یک پنج دینار باشد پرداخت نمایند. (قاضی بن براج، ۱۴۰۶ هـ. ق، ۴۵۷)

از عبارات مذکور این گونه استنباط می شود که معیار در همه نوع از انواع دیه هزار دینار است، یعنی حتی اگر جانی بخواهد یکصد شتر را هم پردازد باید از شترانی باشد که قیمت و ارزش یکصد شتر به هزار دینار برسد. اگر چه سخن مرحوم قاضی درباره دیه قتل عمد است، اما تفاوتی از جهت این که کدام یک از انواع ششگانه اصل باشند و بقیه بر اساس آن سنجیده شوند به نظر نمی رسد. نکات مذکور در ذیل دیدگاه دوم در اینجا نیز قابل طرح است.

۴. قانون، گونه های ششگانه و نقد آن

بر اساس ماده ۲۹۷ قانون مجازات اسلامی مقدار دیه نفس به شرح زیر بیان شده است: « دیه قتل مرد مسلمان یکی از امور ششگانه ذیل است که قاتل در انتخاب هر یک از آن ها مخیر می باشد و تلفیق آن ها جایز نیست:

۱. یکصد شتر سالم و بدون عیب که خیلی لاغر نباشند.
۲. دویست گاو سالم و بدون عیب که خیلی لاغر نباشند.
۳. یکهزار گوسفند سالم و بدون عیب که خیلی لاغر نباشند.
۴. دویست دست لباس سالم از حله های یمن.
۵. یکهزار دینار مسکوک سالم و غیر مغشوش که هر دینار یک مثقال شرعی طلا به وزن ۱۸ نخود است.

۶. ده هزار درهم مسکوک سالم و غیر مغشوش که هر درهم به وزن ۱۲/۶ نخود نقره می باشد. تبصره: قیمت هر یک از امور ششگانه در صورت تراضی طرفین و یا تعذر همه آن ها پرداخت می شود. ۱.

یکی از سنوالاتی که درباره دیه مطرح می شود آن است که آیا هدف شارع مقدس از تشریح دیه پرداخت مقداری از اموال در مقابل جنایت جانی است؟ و یا به تعبیر دیگر آیا از نظر شارع مقدس ادای مال موضوعیت دارد؟ یا آن که پرداخت جنسی خاص از اجناس ششگانه مذکور در

ماده ۲۹۷ قانون مجازات اسلامی مورد نظر شارع مقدس بوده است؟ واضح و روشن است که یک کالا در شرایط زمانی و مکانی مختلف ممکن است دارای ارزش متفاوتی باشد و الزاماً ارزش آن کالا در شرایط مختلف یکسان نمی باشد و همچنین مالیت داشتن یک کالا به میزان نیاز و ضرورت زندگی انسان بستگی دارد که در بسیاری از موارد میزان و ارزش مالی هر کالا به مکانیزم عرضه و تقاضا وابسته است. اما در بین اعراب جاهلی و همچنین در بین اعراب صدر اسلام بی تردید شتر به عنوان یکی از ضرورت های انکار ناپذیر جامعه آن روز بوده است، به طوری که بدون شتر زندگی در آن صحرای خشک غیر ممکن بود و به تعبیر دیگر بقای افراد آن جامعه به بقای شتر وابستگی فراوانی داشت. در آن روزگار چیزی به اندازه شتر در بین اعراب دارای ارزش مالی نبوده است، حتی بنا بر آنچه که لغویین نقل می کنند در بین اعراب آن زمان عنوان مال را به شتر اطلاق می کردند و به عبارتی اگر می خواستند میزان مال و ثروت فرد را مطرح کنند تعداد شتر وی را به عنوان مال و ثروت او معرفی می کردند. البته این موضوع طبیعی هم بود، چرا که کوچ کردن تقریباً کار دائمی اعراب آن زمان بود و این کار بدون شتر غیر ممکن بود. اهمیت شتر در زندگی اعراب تا آن حد بود که واحد شمارش آن با انسان یکی محسوب می شد که همان « نفر » باشد. شاید بتوان گفت دعوت خداوند متعال به تفکر و تدبیر در خلقت و منفعت شتر ناشی از همین اهمیت شتر در زندگی اعراب آن زمان بوده باشد، آن جا که می فرماید: « أفلا ينظرون الي الأبل كيف خلقت . (غاشبه/۱۷/۸۸) یعنی آیا به شتر نمی نگرند که چگونه آفریده شده است ؟

تردید نیست که شتر برای همه جوامع انسانی و در همه ایام از چنین اهمیتی برخوردار نیست و خصوصاً با توجه به پیشرفت تکنولوژی در جوامع مختلف بشری روز به روز از ضرورت بهره گیری از شتر کاسته می شود، البته هنوز هم در برخی از جوامعی که زندگی مشابه اعراب صدر اسلام را دارند شتر از اهمیت ویژه ای برخوردار است. آنچه که از روایات و بررسی تاریخی بر می آید آن است که قبل از اسلام موضوع دیه مطرح بوده و برجسته ترین گزینه در پرداخت دیه همان شتر بوده است که به نقلی عبدالمطلب تعداد یکصد شتر را برای دیه قتل تعیین کردند و در اسلام هم این مسأله تأیید شد. غیر از شتر، گاو و گوسفند هم از اموالی محسوب می شد که به عنوان دیه قابل پرداخت بود. رفته رفته کالاهای دیگری چون نقدین یعنی درهم و دینار همچنین حله های یمنی به این مجموعه افزوده شد. همان طور که بیان شد قانون مجازات اسلامی در ماده ۲۹۷ به بیان مقدار

دیه قتل نفس پرداخته است که پیش از این بدان اشاره شد. اما علاوه بر آن که ذکر انواع ششگانه مذکور که به استناد نظر مشهور فقهای شیعه می باشد در قانون جمهوری اسلامی و با توجه به شرایط عرفی، اجتماعی و اقتصادی فعلی قابل نقد جدی می باشد، نحوه تعیین مقدار دیه بر اساس قانون مذکور نیز قابل تأمل است. بر اساس آنچه که در این ماده آمده است جانی ملزم به پرداخت عین اجناس ششگانه مذکور می باشد و هر یک از آن اجناس را که برگزیند، اولیای دم ملزم به پذیرش آن هستند، چرا که قاتل در انتخاب هر یک از آنها مخیر است. از طرف دیگر برابر تبصره ماده مذکور فقط در دو صورت می توان از عین به قیمت هر یک رجوع نمود و آن دو صورت یکی در صورت تراضی طرفین و دیگری تعذر در پرداخت همه آنها می باشد.

اداره حقوقی دادگستری (فوه قضاییه) در نظریه شماره ۷/۴۱۷۵ مورخ ۱۳۶۲/۱۱/۲ در پاسخ به این سوال که چنان چه کسی بر طبق قانون دیات محکوم به تأدیه و تحویل یک یا چند شتر به شاکی گردد و متهم زندانی باشد و شتر به وسیله بستگان زندانی تهیه شود، لیکن شاکی در دسترس نباشد، آیا دادسرا می تواند شترها را بفروشد و وجه آن را به حساب سپرده موقت به منظور پرداخت به شاکی بسپارد یا نه؛ می نویسد: «در صورت عدم مراجعه یا امتناع محکوم له و ولی یا اولیای دم از تحویل گرفتن شتر، چون نگهداری شتر مستلزم داشتن محل و صرف هزینه می باشد، لذا فروش آن طبق ماده ۴۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری و ملاک بند ۲ ماده ۴۵ قانون اجرای احکام مدنی مصوب سال ۱۳۵۶ و رعایت ماده ۱۳ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۶۱ بلااشکال است. (شهری، ۱۳۷۳، ص. ۶۱۱)، این نظریه بیانگر تأکید سیستم قضایی بر پرداخت عین اجناس ششگانه است، مگر در شرایط استثنایی که مورد مذکور از موارد استثنایی شمرده شده است.

مشکل دیگری که قانون مذکور در مقام اجرا دارد آن است که در حال حاضر در بازار کشور ما حتی کشورهای دیگر که البته منطقی نیست ملاک تدوین قانون کشور ما باشند، درهم و دینار با آن اوصافی که در قانون بدان اشاره شده است وجود ندارد و همین مشکل در مورد جله یمن مطرح می شود، لذا این مسائل نیز سؤالاتی را برانگیخته است که در این جا به برخی از آنها اشاره می شود.

سؤال: اگر محکوم علیه به پرداخت دیه، درهم انتخاب نموده باشد، آیا نامبرده برای برائت ذمه می تواند درهم نقره امارات متحده عربی را که در بازار موجود می باشد و مورد معامله قرار می گیرد و نرخ آن توسط جراید روزانه اعلام می گردد، پرداخت نماید؟

اداره حقوقی قوه قضائیه طی شماره ۷/۴۶۵۸ مورخ ۱۳۷۳/۷/۹ این گونه پاسخ می دهد: « صرف خرید و فروش درهم نقره امارات متحده عربی در بازار و یا اعلام نرخ خرید و فروش آن در جراید کشور دلالتی بر تأیید عیار و وزن مخصوص آن (که در بند ۶ ماده ۲۹۷ قانون مجازات اسلامی آمده است) نداشته ، بلکه مراد از درهم و دینار که در قانون مجازات اسلامی باب دیات آمده است، طلا و نقره مسکوک و با عیار و وزن مخصوص است و عنوان درهم و دینار موضوعیت ندارد. پرداخت نقره و طلای مخصوص با وزن و عیار مذکور در قانون موجب براءت ذمه جانی می شود. در مورد این که درهم مذکور در استعمال حاوی مختصات مذکور در ماده ۲۹۷ قانون می باشد یا خیر، به عهده کارشناس است. (شهری، ۱۳۷۳، ه. ش.، ۶۲۰)»

لازم به ذکر است که در اوایل تصویب قانون دیات چون جانی می توانست یکی از اجناس مذکور را انتخاب کند علی القاعده کم ارزش ترین آن را که نقره بود انتخاب می کرد. ده هزار درهم در آن زمان حدود هفت میلیون ریال بوده است و این مبلغ در مقابل خسارات وارده حتی در دیه اعضا که به نسبت محاسبه می شود آن قدر اندک بود که در سال ۱۳۷۱ رئیس وقت دیوان عالی کشور ضمن بیان این که این میزان، دیه واقعی و شرعی نیست و تبعات سوئی را به دنبال داشته است اعلام کرد: براساس نظر فقهی حضرت امام (ره) و جمعی از مراجع تقلید حاضر و همچنین به موجب تبصره ماده ۲۹۷ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰، از این پس مقدار دیات، باید عین یکی از موارد ششگانه تعیین شده در شرع مقدس باشد و رجوع به قیمت تنها در صورت رضایت صاحبان دبه مجاز است... در این زمان اگر چه عین درهم نقره موجود نیست، اما عین گاو، شتر و گوسفند که از جمله موارد ششگانه تعیین شده در شرع مقدس است در حال حاضر وجود دارد. بنابراین نمی توان قیمت نقره برای آن تعیین کرد، بلکه باید عین یکی از موارد و یا با رضایت صاحب دبه قیمت آن پرداخت شود که در این صورت ارزش ریالی مبلغ دبه، از همین امروز (۱۳۷۱/۱/۱۹) ۷۱ به هفت میلیون تومان که تقریباً قیمت هزار گوسفند و یا صد شتر و یا دویست گاو است افزایش می یابد. (روزنامه کیهان، ۱۳۷۱، ه. ش.، ۱۹)

نکاتی در خصوص این اطلاعیه قابل ذکر است:

۱. بیان این نکته که آنچه تا به حال در دادگاه‌های کیفری و محاکم به عنوان دیه نفس و دیه اعضا تعیین می‌شد به مراتب از دیه واقعی و شرعی کمتر است از سوی رئیس وقت دیوان عالی کشور حکایت از ناکارآمدی ماده ۲۹۷ قانون مجازات اسلامی با این ترتیبی که بیان شده است، دارد.
 ۲. ایشان شرط دیگر و یا تبصره دیگری را به قانون افزوده‌اند و آن عبارت است از این که اگر جنسی از اجناس مذکور در سرزمین رواج ندارد نه تنها عین را به دلیل فقدان نمی‌توان به عنوان دیه پرداخت، قیمت آن نیز دیگر ملاک نخواهد بود. بنابراین در پرداخت عین و یا محاسبه قیمت فقط اجناس موجود ملاک قرار می‌گیرند.
 ۳. تعیین مبلغ هفت میلیون تومان اگر چه اعتراضاتی را به دنبال داشته است و آن هم به دلیل آن بود که تا آن موقع دیه با حساب درهم حدود هفت صد هزار تومان بوده و به یکباره ده برابر افزایش یافتن ایجاد تنش کرده است، اما به نظر می‌رسد که در شرایط آن زمان واقعاً دیه نفس می‌بایستی حدود همان هفت میلیون تومان اعلام شده، تعیین می‌شد.
 ۴. در نظر گرفتن سه جنس از اجناس ششگانه بی تردید نشان از بی‌مورد بودن ذکر (حداقل) درهم و دینار و حله در قانون مجازات اسلامی دارد.
 ۵. از این که قیمت هر یک از اجناس سه گانه یعنی یکصد شتر و دو بیست گاو و هزار گوسفند را تقریباً بدون تفاوت مطرح کرده‌اند، جای تأمل دارد.
- مجله رهنمون از حضرت آیت الله صافی گلپایگانی سؤالی را مطرح نموده است مبنی بر اینکه موارد ششگانه دارای ارزش یکسان نیستند و جانی در انتخاب یکی از آن‌ها مخیر است و طبعاً کم ارزش‌ترین را انتخاب می‌نماید، آیا موجب تضييع حق اولیای دم نخواهد بود؟ اگر چنین است، راه جلوگیری از آن در فقه اسلام چیست؟
- ایشان در پاسخ می‌گویند: اگر بگوییم این تخییر در مواردی است که اختلاف فاحش بین قیمت این اشیاء نباشد و قیمت آنها به هم نزدیک باشد و با اختلاف فاحش و ظاهر و غیر قابل مسامحه، تخییر در مثل این حکم موجه به نظر نمی‌رسد و اخبار باب از آن انصراف دارند، دیگر زمینه طرح این سؤال از بین می‌رود، بلکه از خود اخبار باب نیز استفاده می‌شود که در این تخییر، تساوی یا تقارب قیمت‌ها ملاحظه شده است و قیاس آن با خصال کفاره، قیاس مع الفارق است. و اگر گفته شود ملاحظه تساوی و تقارب قیمت، حکم است و با اطلاق آن در همه موارد منافی نیست، جواب

این است که این کلام در مثل این حکم که از احکام تعبدیه محضه نیست مقبول نیست. زیرا عرفاً نمی توان در امری که تلافی و تدارک ضرر و خسارت منظور است تعبداً حکمی مقرر کرد که غرض از تشریح آن تأمین نشود. (صافی گلپایگانی، ۱۳۷۲ ه. ش، ۱۷۸) چند نکته در پاسخ معظم له قابل ملاحظه است:

الف) ایشان تخیر را در آن جایی می پذیرند که تفاوت قیمت و ارزش گونه های مختلف فاحش نباشد. لذا در حقیقت عملاً مردود دانستن آن قسمت از ماده ۲۹۷ است که جانی را در انتخاب یکی از اجناس مخیر می کند، چرا که اساساً در شرایط زمانی ما تفاوت بین اجناس فاحش به نظر می رسد.

ب) برخی شبهه کرده اند، همان طور که در خصال کفاره، فرد مخیر بین انواع مختلف می باشد در حالی که تفاوت بین آنها نیز فاحش است، چه مانعی دارد که این جا هم علیرغم وجود تفاوت فاحش ما قائل به تخیر شویم؟ ایشان پاسخ می دهد که قیاس مع الفارق است.

ج) ایشان پذیرش تعبدی تخیر را علیرغم اختلاف قیمت اجناس نمی پذیرد، چرا که این حکم را از احکام تعبدیه محض نمی دانند. و اساساً در امری که تدارک ضرر مورد نظر است تعبد را روا نمی دانند. چرا که در این صورت غرض شارع از تشریح آن تأمین نمی شود. راستی چگونه ممکن است که اولیای مقتول در آن واحد استحقاق به سه یا شش مبلغ یا جنس مختلف و غیر معلوم را پیدا کنند؟

رویه قضایی کنونی

از سال ۱۳۷۴ به بعد قوه قضائیه با نظر کارشناسی از افراد خبره قیمت سوقیه احشام را تعیین و به عنوان ملاک پرداخت دیه ابتدای هر سال اعلام می کند. به عنوان مثال ارزش ریالی دیه در سال ۱۳۸۳ به شرح زیر تعیین گردید (ضمیمه شماره ۱) :

ارزش ریالی دیه کامل بر اساس شتر	۲۲۰۰۰۰۰۰۰ ریال
ارزش ریالی دیه کامل بر اساس گاو	۳۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال
ارزش ریالی دیه کامل بر اساس گوسفند	۳۵۰۰۰۰۰۰۰ ریال

با توجه به رویه جاری اولاً دینار و درهم و حله عملاً از گردونه تعیین دیه خارج شده‌اند. ثانیاً پرداخت عین اجناس مذکور دیگر منتفی به نظر می‌رسد، حتی اگر جانی از پرداخت عین متعذر نباشد. ثالثاً مشکل تخییر و غیر منطقی بودن آن با توجه به تفاوت فاحش همچنان باقی است، چرا که تفاوت قیمت یکصد شتر و یک هزار گوسفند سیزده میلیون تومان است و این رقم و تفاوت بسیار فاحشی است که نمی‌توان در آن مسامحه نمود و اگر بخواهیم تفاوت دیه بر اساس یکصد شتر و هزار گوسفند را در ماه‌های حرام که یک سوم به هر یک اضافه می‌شود مقایسه کنیم، تفاوت آن بیش از شانزده میلیون تومان می‌شود که در این جا اساساً تخییر جانی در انتخاب یکی از مبالغ مذکور غیر قابل قبول است. اگر چه پی نوشت رییس فوه قضائیه ذیل نامه وزیر دادگستری (ضمیمه شماره ۲) حاکی از اعلام فقط یک مبلغ برای دیه کامل می‌باشد، اما این بدان خاطر نیست که در سیستم قضایی اصل تخییر جانی منتفی شده باشد، بلکه از آن جهت است که نوعاً جانی حداقل قیمت را برای پرداخت دیه برمی‌گزیند.

۶. نتیجه گیری

با توجه به بررسی منابع چهارگانه فقه شیعه (کتاب، سنت، اجماع و عقل) و دیدگاه فقها و مصوبات قانونی در خصوص موضوع مورد بحث نتایج حاصله به شرح زیر بیان می‌گردد:

۶-۱. قرآن کریم در خصوص موضوع دیه طی آیه ۹۲ از سوره آل عمران فقط به تشریح حکم کلی دیه اشاره نموده و تبیین جزئیات آن، که از جمله آنها اجناسی که باید به عنوان دیه پرداخت نمود و همچنین چگونگی پرداخت آن می‌باشد را روایات معصومین - علیهم السلام - به عهده دارند. بنابراین تنها مدرک و منبع مورد استناد در موضوع مورد نظر، روایات بوده و حتی اجماعی که در برخی موارد فقها به آن اشاره کرده‌اند، اجماع مدرکی و غیر قابل استناد است.

۶-۲. با توجه به آن که دیه به عنوان یک حکم امضائی محسوب می‌شود، حاکی از آن است که در تعیین آن عرف اجتماعی و اقتصادی و به تعبیر دیگر مقتضیات زمان و حتی مکان تأثیر به سزایی دارد، چرا که اسلام همان چیزی را که عرف اعراب آن زمان اقتضایش را داشته است، تصویب و تأیید نمود.

۶.۳. لسان روایات در خصوص تعیین نوع دیه متفاوت است به طوری که برخی از روایات فقط به یک جنس از اجناس ششگانه و برخی به بیش از آن اشاره کرده اند و از نظر تقدم و تأخر اجناس دیه در روایات متفاوت است. در برخی شتر مقدم و در برخی دیگر دینار و درهم مقدم ذکر شده اند، لذا تعیین یک جنس از اجناس مذکور به عنوان اصل مشکل به نظر می رسد.

۶.۴. روند صدور روایات به گونه ای است که می توان از آن استفاده کرد که هیچ یک از اجناس ششگانه موضوعیت ندارد، بلکه قیمت سوقیه هر یک نیز کفایت می کند.

۶.۵. تخییری که فقهای عظام و به تبع آنها قانون مجازات اسلامی بدان اشاره کرده اند، با فرض صحت چنین برداشت، می تواند فقط در شرایطی معقول و منطقی باشد که ارزش و قیمت اجناس بیان شده برابر باشند، در غیر این صورت تخییر جانی نامعقول به نظر می رسد.

۶.۶. اگر چه فقها در کتب فقهی، انواع ششگانه ای را بر اساس روایات وارده بیان کرده اند؛ اما لسان روایات نشان می دهد که در شرایط عرفی و اجتماعی و اقتصادی مختلف نوع دیات تغییر می کرده است، و این در حالی است که قانون گذاران جمهوری اسلامی در تدوین برخی از مواد مربوط به قانون مجازات اسلامی، از جمله تعیین نوع دیه و نحوه پرداخت که در ماده ۲۹۷ قانون مذکور بدان تصریح شده است، شرایط عرفی، اجتماعی و اقتصادی جامعه فعلی ما را در نظر نگرفته اند، بنابراین اصلاح آن لازم به نظر می رسد.

منابع و مآخذ

۱. ر.ک: امام خمینی، سیدروح الله (بی تا)، تحریر الوسیله، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین، ج ۲.
۲. حکم امضائی به حکم شرعی گفته می شود که قبل از ظهور اسلام در بین عرب جاهلی و یا اقوام و ادیان پیشین متداول بوده و اسلام آن را تأیید نموده است.
۳. حر عاملی (بی تا)، وسائل الشیعه إلی تحصیل مسائل الشریعه (الاسلامیه)، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ج ۱۹.
۴. پیشین.
۵. مجلسی، محمد باقر (۱۴۱۰ هـ. ق)، مرآة العقول فی شرح الاخبار الرسول (ص)، قم: دارالکتب الاسلامیه، ج ۲۴.
۶. حر عاملی (بی تا)، وسائل الشیعه، پیشین.
۷. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۷ هـ. ق)، ملاذ الاخیار فی فهم تهذیب الاخبار، قم: مکتبه آیه الله المرعشی، ج ۱۶.
۸. نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴ هـ. ق)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، الناشر: المکتبه الاسلامیه، جلد ۴۳.
۹. حر عاملی (بی تا)، وسائل الشیعه، پیشین، ص ۱۴۴.
۱۰. پیشین، ص ۱۴۳.
۱۱. پیشین، ص ۱۴۲.

۱۲. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۷ هـ. ق.)، ملاذ الاخيار فی فهم تهذيب الأخبار، پیشین، ص ۳۲۱.
۱۳. شیخ کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب (۱۳۶۷ هـ. ش.)، الکافی، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: دارالکتب الاسلامیه - آخوندی، چاپ سوم، ج ۷، ص ۲۸۱. حر عاملی (بی تا)، وسائل الشیعه، پیشین، ص ۱۴۲.
۱۴. پیشین، ج ۷، ص ۲۸۰.
۱۵. نجفی، محمد حسن، پیشین، ص ۱۲.
۱۶. محقق اردبیلی (۱۴۱۶ هـ. ق.)، مجمع الفائده و البرهان، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه، ج ۴۱.
۱۷. مرعشی، سید محمد حسن (۱۳۷۶ هـ. ش.)، دیدگاه‌های نو در حقوق کیفری اسلام، تهران: نشر میزان، ج ۱.
۱۸. موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم (۱۴۱۶ هـ. ق.)، فقه الدیات، قم: منشورات مکتبه امیرالمؤمنین.
۱۹. هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۷۸ هـ. ش.)، بایسته های فقه جزا، تهران: نشر میزان.
۲۰. پیشین.
۲۱. شیخ صدوق (۱۴۱۵ هـ. ق.)، المقنع، قم: مؤسسه امام هادی (ع).
۲۲. شیخ صدوق (۱۴۱۸ هـ. ق.)، الهدایه، قم: مؤسسه امام هادی (ع).
۲۳. نجفی، محمد حسن، پیشین، ص ۱۲.
۲۴. شیخ طوسی (۱۳۸۷ هـ. ق.)، المبسوط فی فقه الامامیه، ناشر: المکتبه المرتضویه، تحقیق محمد باقر بهبودی، ج ۷.
۲۵. جعفری، محمد تقی (۱۳۸۰ هـ. ش.)، رسائل فقهی، تهران: مؤسسه علامه جعفری - انتشارات تهذیب، چاپ اول.
۲۶. شیخ طوسی، پیشین، ص ۱۱۹.
۲۷. محقق حلی (۱۴۰۹ هـ. ق.)، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، تهران: انتشارات استقلال، ج ۴.
۲۸. علی بن محمد قمی (بی تا)، جامع الخلاف و الوفاق، تحقیق: شیخ حسین حسینی بیرجندی، الطبعة الاولى، المطبعة: پاسدار اسلام.
۲۹. حر عاملی، پیشین، ص ۱۴۵.
۳۰. مرعشی، سید محمد حسن، پیشین، ص ۲۰۲-۲۰۱.
۳۱. قاضی ابن البراج (۱۴۰۶ هـ. ق.)، المهذب، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه، ج ۲.
۳۲. سوره غاشیه (۸۸)، آیه ۱۷.
۳۳. شهری، غلامرضا و ستوده جهرمی، سروش، نظریات اداره حقوقی قوه قضائیه در زمینه مسائل کیفری، چاپ اول، تهران، روزنامه رسمی سال ۱۳۷۳، ج ۱.
۳۴. پیشین، ص ۶۲۰.
۳۵. روزنامه کیهان، تاریخ ۱۳۷۱/۱/۲۰، شماره ۱۴۴۴۵، ص ۱۹.
۳۶. صافی گلپایگانی، گفتگو، مجله رهنمون، نشریه مدرسه عالی شهید مطهری، شماره ۴ و ۵، بهار و تابستان ۱۳۷۲.
۳۷. پیوست شماره ۱، دورنگار شماره ۱/۲۶ م/۱۱۱۰ مورخ ۸۳/۱/۱۶ نهاد دادگستری به قوه قضائیه.
۳۸. پیوست شماره ۲، بخشنامه شماره ۱/۸۳/۳۷۶ مورخ ۸۳/۱/۱۹ نهاد قوه قضائیه به کلیه مراجع قضائی کشور.
۳۹. اجماع مدرکی به اتفاق نظر علما و فقها در یک مسأله شرعی گفته می شود که مستند آنها در این اتفاق نظر، آیات و یا روایات باشد؛ لذا فقها در اینگونه موارد مستند حکم را آیات و روایات می دانند و اجماع را در این صورت مثبت حکم نمی دانند.



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی